

بررسی واگذاری سهام سرخابی‌ها به مردم در گفت‌وگوی «فرهیختگان» با حسین آل اسحاق

حساب و کتاب سرخابی‌ها شفاف می‌شود

■ با فشار فیفا و AFC مردم خود اداره‌کننده دارایی‌هایشان می‌شوند

■ با این روش می‌توان برای گرفتن حق پخش به صداوسیما فشار آورد

مالکیت شرکت‌ها همچنان در دست دولت‌ها و نهادهای باقی خواهد ماند.

عیبی ندارد. باید آرام‌آرام به بلوغ برسیم. این موضوع نیز ادامه پیدا نمی‌کند و اوضاع درست می‌شود. این مسائل همه درست هستند و داریم در این خصوص به بلوغ می‌رسیم. حالا اینکه عمده این سهام‌ها به اسم دولت است یا اشخاص، اینها همه ایراداتی هستند که خیلی زود برطرف می‌شوند اما اگر سهام در اختیار دولت باشد قطع به یقین AFC و فیفا جلوی این کار را می‌گیرد و ایراداتی را مطرح خواهد کرد که این ایراد هم برطرف خواهد شد. آنها عنوان کرده‌اند که یک مالک از دو باشگاه نمی‌تواند یک سهم مشترک داشته باشد و اگر این امر محقق نشود حتما به این موضوع ایراد گرفته خواهد شد و اجازه نخواهند داد برای چنین باشگاه‌هایی مجوز حرفه‌ای صادر شود.

برخی پیشکسوتان این دو باشگاه اعتقاد دارند بحث خصوصی‌سازی از طریق بورس باعث می‌شود دخالت و اعمال نفوذ هواداران در باشگاه‌ها افزایش پیدا کند.

خیر. به هیچ‌وجه. این حرف‌ها کارشناسی نیستند. مگر همین الان از طریق فضای مجازی اعمال نظر نمی‌شود؟ حتی در فضای واقعی هم خودم شاهد بودم که چند فصل قبل مقابل باشگاه پرسپولیس یک نفر از لیدرها با خود بشکه بنزین آورده بود و تهدید می‌کرد اگر گل محمدی را برداری و به جایش فلانی را بگذاری خودم را می‌سوزانم! این حرف‌ها همه هستند اما واقع قضیه این است که وقتی سهامدار عمده شد و وقتی مدیریت انتخابی شد آن زمان مدیر مجبور است در برابر شاخص‌ها تمکین کند و استانداردها را رعایت کند. باز هم تاکید می‌کنم این موضوع قدم خوبی است و کمک می‌کنیم این اتفاق به بهترین شکل محقق شود.

اما بازار بورس در یکی دو سال اخیر چشم خیلی‌ها را ترسانده است و شاید استقبالی از این امر نشود.

راه‌های دیگر هم وجود داشت مثل اینکه مالکیت را به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار کنند. این درحالی است که این دو باشگاه در جامعه ما خیلی تأثیر دارند و عدد بزرگ میلیونی هوادار دارند و نمی‌شود سرنوشت این همه آدم را دست یک نفر سپرد و این عقل سلیم نیست که فردا یک آبرام‌ویچ تولید می‌شود که او در تعیین نماینده مجلس و وزیر و وکیل اثر خواهد گذاشت یا اینکه خدای نکرده طرف به یک بیگانه‌ای وصل شده و سیستم را به هم بریزد. بهترین کار و سالم‌ترین آن همین راه است و من احساس می‌کنم از این اتفاق قطع به یقین استقبال خواهد شد. در بورس بازدهی را ۱۰ ساله می‌سنجند نه فوری و خود بورس فارغ از سوءمدیریت‌ها و دخالت‌های بیجا فعالیت درستی دارد و سرمایه‌های جز را به سرمایه‌های کلان تبدیل می‌کند.



غیرمترقیه می‌شود و حادثه را از پیش تعیین نمی‌کنند و حادثه بازیگر و برنامه‌ریزی قبلی ندارد، درحالی‌که برای برگزاری یک دوره رقابت لیگ، فدراسیون و باشگاه‌ها از یک سال قبل برنامه‌ریزی و هزینه می‌کنند، که جواب درستی در این خصوص متأسفانه ارائه نشد. یک‌سری مسائل را به مسائل سیاسی تبدیل می‌کنند و بعد هم شانتاژ و جوسازی می‌شود. هر زمان درخصوص حق پخش صحبت شد، سروصدایی را به‌عنوان فساد در فوتبال از تلویزیون پخش کردند تا اجازه ندهند این اتفاق بیفتد. این درحالی است که درآمد صداوسیما از ورزش و به‌خصوص فوتبال بسیار زیاد است. به نقل از خودشان حدود ۳ هزار میلیاردتومان درآمد برآورد شده که از این مبلغ یک ریال هم به فوتبال اختصاص پیدا نمی‌کند.

ما فوتبالی داریم که هر روز شاهد تغییرات مدیریتی در آن هستیم. این موضوع برای ادامه مسیر خصوصی‌سازی برای باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس که از ثبات مدیریتی برخوردار نیستند، نگران‌کننده نیست؟

بله. همین‌طور است. اتفاقا یکی از فشارهایی که کنفدراسیون آسیا آورد، همین است که دولت‌ها نباید روی باشگاه‌ها به‌ویژه روی مباحث مدیریتی نفوذ و دخالت داشته باشند و همچنین دو باشگاه نباید یک مالک مشترک داشته باشند.

با این نحوه واگذاری به لحاظ مدیریتی گفته می‌شود

این خصوص تمکین نمی‌کند که آثار آن را هم شاهد هستیم. اما وقتی تعداد مالکان یک باشگاه از طریق سهامدارانش به ۳۰ میلیون نفر رسید، آن زمان بحث فشار و جا افتادن درست آن هم مطرح می‌شود. مباحث دیگری مانند بلیت‌فروشی و نقل‌وانتقال بازیکنان و ماست بیرون می‌کشند. به نظرم در این زمینه تعجیلی صورت نگرفت.

یک نقد دیگر؛ این‌که می‌گویند این دو باشگاه درآمدی ندارند و این موضوع موجب ضرر سهامداران با همان هواداران می‌شود.

درآمد را چه چیزی تعریف می‌کنیم؟ این سهام دارایی است نه درآمد. درآمد ناشی از فعالیت‌های تجاری و صنعتی است و باید یک ورودی داشته باشد نه بحث سهام، چون سهام مالکیت و دارایی است و درآمد نیست. در بحث فوتبال مثل همه دنیا ۴ بحث درآمدزایی داریم که اولین قدم آن وارد شدن به بازار بورس است و قدم بعدی آن برمی‌گردد به حق پخش که مهم‌ترین آن محسوب شده و بیش از ۷۰درصد درآمدهای باشگاه را تشکیل می‌دهد. این درحالی است که در ایران به این موضوع پرداخته نشده است و باشگاه‌ها عایدی از این موضوع ندارند. بنابراین عرضه سهام دو باشگاه در بورس فشاری به صداوسیما محسوب می‌شود که بدانند از فوتبالی که پخش می‌کند و صاحب هزاران میلیارد می‌شود، بخش عمده آن متعلق است به صاحبان این فعالیت. این درحالی است که صداوسیما متأسفانه در

هم این بود که سهام این باشگاه‌ها در سهامی‌عام به هوادارانش واگذار شود. در این‌صورت این باشگاه‌ها مجبور هستند اسناد مالی خود را شفاف‌سازی کنند و دیگر آنجا فتوشاپ و جعل سند و تاخیر رخ نمی‌دهد، چون حسابرس‌هایی که با دقت کار می‌کنند مو را از ماست بیرون می‌کشند. به نظرم در این زمینه تعجیلی صورت نگرفت.

یک نقد دیگر؛ این‌که می‌گویند این دو باشگاه درآمدی ندارند و این موضوع موجب ضرر سهامداران با همان هواداران می‌شود.

درآمد را چه چیزی تعریف می‌کنیم؟ این سهام دارایی است نه درآمد. درآمد ناشی از فعالیت‌های تجاری و صنعتی است و باید یک ورودی داشته باشد نه بحث سهام، چون سهام مالکیت و دارایی است و درآمد نیست. در بحث فوتبال مثل همه دنیا ۴ بحث درآمدزایی داریم که اولین قدم آن وارد شدن به بازار بورس است و قدم بعدی آن برمی‌گردد به حق پخش که مهم‌ترین آن محسوب شده و بیش از ۷۰درصد درآمدهای باشگاه را تشکیل می‌دهد. این درحالی است که در ایران به این موضوع پرداخته نشده است و باشگاه‌ها عایدی از این موضوع ندارند. بنابراین عرضه سهام دو باشگاه در بورس فشاری به صداوسیما محسوب می‌شود که بدانند از فوتبالی که پخش می‌کند و صاحب هزاران میلیارد می‌شود، بخش عمده آن متعلق است به صاحبان این فعالیت. این درحالی است که صداوسیما متأسفانه در

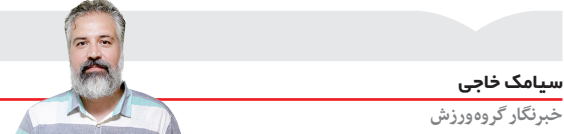
نگاهی به پروسه واگذاری سهام باشگاه‌های خارجی به هواداران

سود دوجانبه و پرریسک

یکی از بارزترین نمونه‌ها در این زمینه باشگاه چلسی است که رومن آبراموویچ در سال ۲۰۰۳ با پرداخت ۵۰۰ میلیون پوند آن را خرید و حالا پس از ۱۹ سال و کسب جام‌های مختلف کمتر از ۳ میلیارد پوند آن را نمی‌فروشد.

البته در ایسن میان نباید ارزش بازیکنانی که خریداری می‌شوند یا به فروش می‌رسند را فراموش کرد. برخی باشگاه‌ها مثل دورتموند با خرید ستاره‌های آینده‌دار به‌نوعی مشغول سرمایه‌گذاری در این زمینه هستند و برخی دیگر نیز برای رسیدن به موفقیت به‌دنبال خرید ستاره‌های دنیای فوتبال هستند که هر کدام از آنها می‌تواند در بالا رفتن ارزش یک باشگاه اثرگذار باشد. فاکتور دیگری که می‌تواند در ارزش‌گذاری باشگاه‌ها مهم باشد اتفاقاتی است که برای بازیکنان، مربیان و حتی مدیران باشگاه رخ می‌دهد و همه اینها می‌تواند در افت ارزش باشگاه اثرگذار باشد. ماجراهایی مانند کالچوپولی که در سال ۲۰۰۶ باشگاه‌های ایتالیایی را تحت تأثیر قرار داد یا مثلاً اتهامی که به اولی هوینس، مدیر باشگاه بایرن مونیخ درباره فرار مالیاتی زده شد و درنهایت مجازات زندان را برای او به‌دنبال داشت نه‌تنها باشگاه‌ها را با مشکلات زیادی مواجه می‌کند، بلکه باعث می‌شود تا سهامداران نیز از این اتفاقات منفی ضرر کنند. به همین دلیل معمولاً در باشگاه‌های بزرگ چنین اتفاقاتی به‌شدت مورد توجه قرار گرفته و با جریمه‌های سنگینی همراه است. تازه‌ترین نمونه آن هم مشکلی بود که برای میسون گرینوود، ستاره جوان منچستر یونایتد در زمینه ضرب و جرح و آزار نامزدش رخ داد و این باشگاه به‌سرعت او را تا اطلاع ثانوی از حضور در مسابقات و تمرینات محروم کرد تا کمترین صدمه به برند باشگاه وارد شود.

امضای قرارداد با اسپانسرهای بزرگ و سرشناس هم یکی دیگر از مواردی است که می‌تواند باعث شود تا پول بیشتری به حساب باشگاه سرازیر شده و درنتیجه ارزش تیم هم بالاتر برود. تمام این موارد می‌تواند باعث بالا رفتن ارزش سهام و سودده شدن باشگاه‌های فوتبال شود.



سیامک حاجی

خبرنگار گروه ورزش

شعار خصوصی‌سازی سال‌هاست که در فوتبال ایران شنیده می‌شود، اما هر بار این اقدام با مشکلات و موانعی روبه‌رو می‌شد که درنهایت طرح واگذاری دو تیم پرتفردار پایتخت به مردم و عرضه سهام آنها در بورس عقیم می‌ماند. این بار اما ظاهراً اقدامات در این زمینه جدی‌تر از قبل در حال پیگیری است و اگرچه هنوز ایراداتی در طرح مذکور وجود دارد، اما به‌نظر می‌رسد امروز باید شاهد ورود دو باشگاه مطرح فوتبال ایران به بورس و عرضه بخشی از سهام آنها به مردم باشیم. در سال‌های اخیر چنین وعده‌هایی بارها داده شده، اما درنهایت عزم جدی برای عملی کردن آنها وجود نداشته است. حذف ناباورانه سرخابی‌ها از لیگ قهرمانان آسیا و عدم‌اعطای مجوز حرفه‌ای به آنها از سوی AFC سبب شد تا مقامات ورزش ایران به‌صورت جدی‌تر پیگیر این موضوع که یکی از ایرادات اساسی کنفدراسیون فوتبال آسیا در بحث حرفه‌ای بودن است، شوند. مالکیت مشترک یکی از مهم‌ترین ایراداتی بود که به این دو باشگاه گرفته شد و در کنار چندین ایراد دیگر سبب شد تا این دو باشگاه پرتفردار که در این فصل هم از مدعیان اصلی قهرمانی در لیگ هستند نتوانند در فصل جدید رقابت‌های لیگ قهرمانان که حدود یک ماه دیگر آغاز می‌شود، حضور داشته باشند.

■ **ورود به بورس با فاکتورهای مشخص**

باشگاه‌های بزرگ دنیا مدت‌هاست که روند عرضه سهام خود در بورس را آغاز کرده‌اند و فوتبال به‌عنوان یک صنعت بزرگ و سودآور می‌تواند برای کسانی که سهام باشگاه‌ها را خریداری می‌کنند سودده باشد. باشگاه‌ها در این ورزش پرتفردار از طریق قراردادهای حق پخش تلویزیونی، حمایت‌های هواداران و افزایش ارزش خود از طریق موفقیت‌های ورزشی که به‌دست می‌آورند می‌توانند ارزش خود را افزایش داده و این اتفاق در بخش اقتصادی می‌تواند دستاورد بسیار خوبی برای آنها باشد. عرضه سهام در بورس پیش نیازهایی دارد که باشگاه‌های بزرگ دنیا مدت‌هاست به آنها دست یافته‌اند و خریداران به‌خوبی می‌دانند که در چه تیم‌هایی سرمایه‌گذاری بهتر جواب می‌دهد. امضای قرارداد اسپانسری